

## بزرگ‌ترین امانت زندگی ما چیست و امانت داری از آن چه نقشی در شفای قلب ما دارد؟

### معرفی بزرگ‌ترین امانت زندگی انسان و اثرات شگرف امانت‌داری در زندگی ما

بزرگ‌ترین امانت زندگی شما چیست؟ شاید بگویید همسرم، فرزندم یا حتی ذهنتان به جواهر گران‌قیمتی که به شما امانت سپرده شده معطوف شود. همه این‌ها درست است، اما اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، امانتی هست که سنگین‌تر از همه آن‌هاست؛ امانتی که با خود به آخرت می‌بریم. این امانت، نه فقط ارزش معنوی دارد بلکه کیفیت امانت‌داری ما از آن، معیار سنجش سلامت قلب ماست. امانت‌داری صرفاً یک ویژگی اخلاقی نیست؛ شاخصی است که نشان می‌دهد، قلب ما تا چه اندازه پاک، بیدار و زنده است.

اگر می‌خواهیم بفهمیم حال درون‌مان چگونه است، کافی‌ست بررسی کنیم چقدر در برابر امانت‌هایی که به ما سپرده شده‌اند، احساس مسئولیت می‌کنیم. آیا نسبت به آن‌ها بی‌تفاوتیم یا واقعاً دغدغه‌شان را داریم؟ اگر ناخواسته آسیبی به آن‌ها بزنیم، دچار اندوه و اضطراب می‌شویم یا بی‌خیال از کنارشان عبور می‌کنیم؟ همین توجه و بی‌توجهی‌ها وضعیت قلب ما را گزارش می‌دهد. اما قبل از اینکه به سنجش میزان سلامت قلبمان پردازیم؛ باید بفهمیم این امانت‌ها دقیقاً چه چیزهایی هستند.

دامنه امانت‌های سپرده شده به هر یک از ما گسترده است. برخی به مردم مربوط می‌شوند، برخی دیگر به خدا. گروه اول یعنی حق‌الناس، شامل این موارد است:

اموال مادی دیگران (پول، وسایل، خانه)

حقوق معنوی (احترام، محبت)

حقوق فردی (حریم خصوصی، آزادی)

حقوق اجتماعی (امنیت، عدالت اجتماعی)

ما در قبال تمام این موارد مسئولیم، حتی اگر فرد مقابل، انسان خوبی نباشد. اما این فقط نیمی از ماجراست. نیم دیگر، به حق‌الله مربوط می‌شود؛ یعنی چیزهایی که مستقیماً از جانب خدا در اختیار ما قرار گرفته‌اند: جسم، نفس و قلب ما.

## بزرگ‌ترین امانت زندگی ما

در میان تمام امانت‌های الهی، مهم‌ترین و سنگین‌ترین آن‌ها، قلب انسان است؛ بخشی از وجود ما که در متون دینی از آن به عنوان فوق‌عقل یاد می‌شود. همان جایی که به سوی خدا گرایش دارد و تنها با یاد او آرام می‌گیرد. این بخش، مستعد شبیه شدن به معشوق حقیقی‌اش یعنی خداوند است و درست همین‌جاست که مفهوم امانت‌داری به اوج می‌رسد.

همه ما موظفیم این قلب را پاک، تغذیه‌شده و در مسیر رشد حفظ کنیم. کسی که قلبش را خوب پرورش داده، کم‌کم آن را از آلودگی‌ها دور می‌کند، صیقل می‌دهد و آن را به شباهت با خداوند نزدیک‌تر می‌سازد. این کار فقط با شعار یا احساسات لحظه‌ای ممکن نیست؛ نیازمند تلاش روزانه، مجاهده و تربیت جدی است.

اما امانت‌داری فقط مربوط به قلب نیست. جسم ما هم امانت خداست. اگر پرخوری کنیم یا کمتر از حد نیاز غذا بخوریم، بی‌خوابی بکشیم یا بدن‌مان را در معرض آسیب قرار دهیم، در حال خیانت به امانت الهی هستیم. همان‌طور که رها کردن یک نوزاد در خیابان، غیراخلاقی و غیرانسانی است، بی‌توجهی به نفس هم همین‌قدر فاجعه‌بار است.

در روایت قرآنی آمده که خدا این امانت را به آسمان‌ها، زمین و کوه‌ها پیشنهاد داد اما آن‌ها از پذیرش سر باز زدند، چون آن را سنگین یافتند. اما انسان امانت روح خدا را پذیرفت<sup>۱</sup> و این روح، به تدریج در قالب

<sup>۱</sup> همانا ما امانت (الهی) را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم، پس، از حمل آن سر باز زدند و از آن ترسیدند، ولی انسان آن را بر دوش گرفت، اما او بس ستمکار و نادان است. (قرآن کریم، سوره احزاب، آیه ۷۲)

نفس، قلب و قوای مختلف نفس یعنی حس، خیال، وهم، عقل شکل گرفت. هر یک از این بخش‌ها نیازمند مراقبت خاص خود است.

تصور کن به خیال خودت اجازه بدهی به هر صحنه‌ای فکر کنی، وهمت را پر از ترس و غصه کنی، عقلت را با اطلاعات سطحی و نادرست تغذیه کنی. این‌ها یعنی کوتاهی در امانت‌داری. نفس را نمی‌توان در لجن افکار و عادت‌های آلوده رها کرد و انتظار داشت که «سالم» به خدا بازگردد. ما حتی اجازه نداریم معشوق‌های تقلبی را جایگزین معشوق واقعی‌مان کنیم. یعنی قلب‌مان را گرفتار ثروت، قدرت، شهرت، زیبایی، یا حتی علم و خانواده کنیم، در حالی که معشوق حقیقی وجود ما خداست. این یعنی قلب‌مان را از مسیر اصلی منحرف کرده‌ایم.

### چگونه از این امانت مراقبت کنیم؟

برای نگهداری از این کودک عزیز روان، باید همان قدر جدی باشیم که نسبت به فرزند دنیوی‌مان حساسیم. اگر برای رشد جسمی کودکمان مدرسه، کلاس، تغذیه و مراقبت بهداشتی فراهم می‌کنیم، برای رشد روح خودمان هم باید استاد، آموزش، محیط سالم و تغذیه فکری و معنوی مناسب فراهم کنیم.

مثلاً حضور در جلسات تربیتی، مطالعه متون صحیح، دوری از محیط‌های آلوده، تمرین ذهن‌آگاهی، عبادت آگاهانه و انتخاب معشوق‌های الهی، همه از ابزارهای مراقبت هستند. همچنین بررسی مداوم قلب و نفس با سوال‌هایی مثل: «الان به چه چیزی بیش از همه دل بسته‌ام؟» یا «آیا این تصمیم من کمکی به حرکت من به سمت شباهت به الله می‌کند؟» می‌تواند مثل آینه‌ای باشد برای سنجش مسیر.

تمام پنج مرتبه مختلف نفس انسان هم شامل این امانت‌داری می‌شود. حتی هم مثل حس، خیال، وهم و عقل هم از این قاعده جدا نیستند. کوتاهی در مراقبت دقیق، تربیت صحیح و پرورش درست و تخصصی

هر کدام از این بخش‌ها خیانت در بزرگ‌ترین امانت زندگی ما محسوب می‌شود و عواقب سخت و جبران‌ناپذیری برای ما دارد.

برای مثال ما نمی‌توانیم با فکر کردن به هر چیزی خیالمان را آلوده کنیم و با ترس‌ها و غم‌ها وهممان را پر و بال بدهیم. نفس ما امانت خداست و ما صاحب اصلی آن نیستیم، پس نمی‌توانیم آن را در لجن آلودگی‌های اخلاقی و اعتقادی بغلتانیم. یا آنکه اجازه نداریم، معشوق‌های بخش‌های پایینی وجودمان مثل ثروت، امکانات، زیبایی، ازدواج، قدرت، خانواده، علم، شهرت، قدرت و ... را محبوب‌ترین و ارزشمندترین معشوق‌های قلبمان قرار بدهیم و آنها را بر معشوق‌های انسانی‌مان یعنی خداوند، امامان متخصص و معصوم، همچنین جهاد اولویت بدهیم.<sup>۲</sup>

ما موظفیم که این امانت را سالم، عاشق و شبیه به خدا تربیت کنیم. هر نوع کوتاهی در این مسیر، نوعی خیانت به آن فطرت خودمان است. ما قول داده‌ایم که در این دنیا، با اختیار خود راه او را دنبال کنیم و قلبمان را به جایی برسانیم که خدا در آن تجلی کند.

### قلب را چطور نگه می‌داری؟

سؤال اصلی این نیست که چه چیزی در زندگی ما امانت است، بلکه این است که با آن امانت چه می‌کنیم؟ امانت‌داری فقط در «نگه‌داشتن» نیست؛ در «رشد دادن»، «مراقبت کردن» و «بازگرداندن» امانت به شکلی بهتر از حالت اولیه است. قلب ما همان روح الهی است که به صورت امانت در وجودمان نهاده شده؛ پاک، لطیف و آماده برای اتصال با سرچشمه اصلی که باید در سفرمان به سمت ابدیت استعدادهای بالقوه آن را به تمامی شکوفا کنیم.

<sup>۲</sup> قرآن کریم، سوره توبه، آیه ۲۴

اکنون نوبت ماست که بررسی کنیم با این کودک عزیز روان چگونه رفتار کرده‌ایم. آیا او را گرسنه و زخمی رها کرده‌ایم؟ یا با عشق، تغذیه سالم، تربیت درست و معشوق‌های خدایی، به بلوغ رسانده‌ایم؟ امانت‌داری از قلب، مهم‌ترین مسئولیت ما در این زندگی‌ست؛ اگر آن را به‌درستی انجام دهیم، نه تنها قلبی سالم خواهیم داشت، بلکه روحی شفا یافته، آرام و آماده وصال با معشوق حقیقی‌مان یعنی خداوند در انتظار ما خواهد بود.